

ارزیابی روند تحقق حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن

از دیدگاه اقتصادی

جعفر باباجانی^۱

احمد پیفه^۲

محمدتقی تقوی فرد^۳

چکیده

این پژوهش در پی آن است که روند تحویل و مصرف منابع مالی ناشی از عایدات نفت و مشتقات آن را به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار دهد. برای انجام این منظور در مرحله اول مطالعه و بررسی تطبیقی در رابطه با مبانی نظری با استفاده از روش کتابخانه‌ای صورت گرفته، تا شاخص‌هایی برای نظر سنجی و کسب اجماع عمومی افراد خبره تعیین شود. در مرحله دوم از تنی چند از متخصصان ذیربط در مورد شاخص‌های پیشنهادی مرتبط با رعایت حقوق بین‌نسلی به منظور کسب اجماع، با استفاده از روش دلفی نظرخواهی انجام شده و در مرحله سوم با استفاده از اطلاعات واقعی مندرج در صورت‌حساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور و گزارش تفریغ بودجه، روند تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی در طول سال‌ها و همچنین دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش که با روش‌های آماری معتبر انجام گرفته، نشان می‌دهد که روند تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، بیانگر عدم رعایت حقوق بین‌نسلی بوده است. همچنین نتایج نشان داد که نقطه اوج عدم رعایت حقوق بین‌نسلی در ارتباط با دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران مربوط به دولت‌های نهم و دهم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: حقوق بین‌نسلی، عایدات نفت و مشتقات آن، مخارج سرمایه‌ای، دیدگاه اقتصادی،

دوره عمل بودجه

^۱ استاد گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی pifeh@acc.usb.ac.ir

^۳ دانشیار گروه مدیریت صنعتی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

در طول دو دهه اخیر، نهادهای بزرگ بخش عمومی دستخوش تغییر و تحولاتی اساسی شده‌اند که عمدتاً با هدف ارتقای سطح مسئولیت پاسخگویی، افزایش کارایی و اثربخشی منابع صورت گرفته است. این قبیل تحولات در اغلب کشورها در چارچوب دکترین مدیریت نوین بخش عمومی انجام یافته است. در دهه ۱۹۸۰، به دنبال مطرح شدن موضوع مدیریت نوین بخش عمومی و اصلاح ساختارهای دولتی، اندازه‌گیری عملکرد در سازمان‌های دولتی، توسعه چشم‌گیری یافت و در آغاز هزاره سوم به اوج خود رسید. توجه به نتایج یا گرایش‌های عملکردی، یکی از مهم‌ترین عوامل در مفاهیم مدیریت نوین بخش عمومی است. بر این اساس سازمان‌ها در بخش دولتی جهت‌گیری‌های خود را از کنترل دروندادهای سنتی به سمت تمرکز بر نتایج و ستادهای ملموس، تغییر داده‌اند. این اصلاحات و فلسفه پیرامون آن، منجر به ارتقای سطح مسئولیت پاسخگویی و فراهم کردن زمینه لازم برای ایفای مسئولیت پاسخگویی عملیاتی گردید. با این حال ماهیت و میزان دقیق پاسخگویی عملیاتی هنوز هم موضوع بحث است. یک جنبه از پاسخگویی عملیاتی که بیشتر به آن توجه شده است، توسعه شاخص‌های عملکرد می‌باشد. شاخص‌های عملکرد مقیاس‌های کمی یا کیفی هستند، که برای هر دو سازمان‌های بخش خصوصی و عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند. شاخص‌های عملکرد بخش خصوصی که در طول یک دوره زمانی طولانی توسعه پیدا کرده، عمدتاً شاخص‌های مالی است، این در حالی است که استفاده از معیارهای غیر مالی نیز باعث شناخت بهتر در این زمینه می‌شود. به رغم برخی وجوه تشابه تفاوت‌هایی اساسی در محیط‌های گزارشگری و نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی بین واحدهای بخش خصوصی و عمومی وجود دارد. به همین دلیل، تعیین شاخص‌های عملکردی سازگار با ویژگی‌های محیطی نهادهای بخش عمومی امری ضروری است، و استفاده و بهره‌گیری مستقیم از شاخص‌های بخش خصوصی کارساز نیست.

در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی ایران، شفاف‌سازی عملکرد دولت و امکان ارزیابی آن مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان به مواد ۶۸ و ۲۱۳ از این قانون اشاره کرد. در صورت تحقق این امر نه تنها زمینه حرکت منطقی دولت و التزام آن به برخورداری از برنامه جامع و عملیاتی فراهم می‌گردد، بلکه راه را جهت سنجش میزان کارایی و اثر بخشی دولت از سوی مردم و نمایندگان آن‌ها هموار خواهد کرد. تصویب و ابلاغ آیین‌نامه ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور (به شماره ۴۴۶۴۲/ت/۲۷۷۰۱ مورخه ۱۳۸۱/۱۰/۱۸)^۱ در دو سطح شاخص‌های عمومی و شاخص‌های اختصاصی توسط هیات وزیران و الزام کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور به ارزیابی از عملکرد خود را می‌توان از مصادیق این نگرش تحول خواه تلقی نمود. در ماده دوم این آیین‌نامه هدف از ارزیابی عملکرد، سنجش، ارزش‌گذاری و قضاوت در خصوص عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور براساس قوانین و

^۱ هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱/۱۶۶۳۹ مورخ ۱۳۸۱/۹/۱۱ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور را در ۱۱ ماده تصویب نمود.

مقررات مربوط، مبتنی بر معیارهای اثر بخشی، کارآیی اقتصادی و اخلاقی، به منظور ارتقای کیفیت خدمات دولتی، بیان گردیده است.

تاکنون اولویت ادبیات بخش عمومی بر استفاده مدیریت (داخلی) از شاخص‌های عملکرد تمرکز داشته است. به نظر می‌رسد، تمرکز بروی ذی‌نفعان خارجی ممکن است منجر به پیشرفت در اندازه‌گیری عملکرد نهادهای بخش عمومی شود. بدین منظور برخی از شاخص‌های کلیدی عملکرد مالی متناسب با نیازهای ذی‌نفعان خارجی که برای آن‌ها گزارشگری با اهداف خاص انجام نمی‌شود، ولی با این وجود این اشخاص ممکن است تمایل به ارزیابی عملکرد نهادهای بخش عمومی داشته باشند، مطرح می‌شود. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های فوق در بخش عمومی حقوق بین‌نسلی^۱ است (ریان و همکاران؛ ۲۰۰۰).

حقوق بین‌نسلی و دیدگاه‌های کلی درباره آن

حقوق بین‌نسلی که یکی از مباحث مشترک بین اقتصاد و حسابداری می‌باشد و در حسابداری از آن تحت عنوان حقوق بین‌دوره‌ای^۲ یاد می‌شود، ریشه در سنن مذهبی، فرهنگی و حقوق عرفی دارد. پورسعید (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان پایداری محیط زیست از دیدگاه اسلام بیان می‌کند که براساس شریعت اسلام انسان باید در بهره‌برداری از منابع، نه تنها به حقوق افراد جامعه (عدالت درون نسل‌ها) توجه داشته باشد، بلکه به حقوق نسل‌های آینده (عدالت بین‌نسل‌ها) که چنین منابعی ضامن حیات و بقای آن‌ها می‌باشد، نیز توجه کامل مبذول دارد.

در نگاه اسلام، افراد گوناگون در درون یک نسل هیچ ترجیحی بر یکدیگر ندارند و توزیع ثروت براساس عدالت، مورد تاکید شارع است. افزون بر این، افراد نسل‌های گوناگون نیز در این مسأله از فرصت‌های یکسان برخوردارند و سبقت و یا تأخر نسلی بر نسل دیگر سبب بهره‌مندی بیشتر و یا محرومیت آن نخواهد شد. این مطلب از نگاه قرآن، روایت‌ها و نیز دلیل عقلی قابل اثبات است.

آن‌گونه که در منابع ادعا شده است، این موضوع را اولین بار در سال ۱۹۷۴ جیمز توبین (اقتصاددان) تحت عنوان حفظ منافع آیندگان در مقابل دعاوی نسل حاضر تعریف کرد (کارگروه حقوق همبستگی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران؛ ۱۳۸۸). حق برابری نسل‌ها یک مفهوم ارزشی است که به منافع نسل‌های آینده توجه می‌کند. در اسناد سیاسی و بین‌المللی این حق به صراحت مورد توجه قرار نگرفته است و موضوع آن در اقتصاد بیشتر در ضمن اصطلاح توسعه پایدار^۳ بیان شده است. بنابر گزارش کمیته-ی اقتصاد و تلفیق کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۶) امروزه مهم‌ترین اصل توسعه پایدار، عدالت بین‌نسلی است، به این معنا که هر نسل حداقل می‌باید به اندازه‌ای که خود به منابع و ثروت‌های عمومی دسترسی داشته، به نسل بعد منتقل نماید. این مبنا در بهره‌برداری از عواید ناشی از فروش نفت و مشتقات آن نیز لازم است مورد توجه جدی قرار گیرد.

1- Intergenerational Equity

2- Interperiod Equity

^۳ - متداول‌ترین تعریف از توسعه پایدار، تعریفی است که کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷) ارائه داده است. کمیسیون مذکور، توسعه پایدار را بدین صورت تعریف می‌کند:

توسعه‌ای که نیازمندی‌های نسل حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود برآورده می‌سازد (WCED, 1987: P, 43).

در حوزه مباحث اقتصاد کلان در رویکردهای کینزین‌های جدید و کلاسیک‌های جدید با مدل سازی اقتصادی بین‌دوره‌ای روبرو هستیم. در این رویکردها، در حوزه‌های مختلف مانند الگوی بهینه مصرف بین‌دوره‌ای، الگوی سرمایه‌گذاری بین‌دوره‌ای و بین‌نسلی مدلهایی توسط رومر (۱۹۹۰)، سالای مارتین (۲۰۰۳)، لوکاس (۱۹۷۹) و دیگران ارایه شده که ایده اصلی آن‌ها مبتنی بر عدالت بین‌نسلی و بین‌دوره‌ای می‌باشد (تقوی؛ ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹). هم‌چنین در مباحث اقتصاد منابع و محیط زیست نیز از مدل‌های کنترل بهینه در راستای چگونگی مصرف منابع طبیعی به‌گونه‌ایی که عدالت بین‌نسلی رعایت شود، استفاده می‌شود (احمدیان؛ ۱۳۸۰). در مباحث اقتصاد بخش عمومی نیز در حوزه چگونگی تخصیص منابع مالی و چگونگی تدوین بودجه سنواتی از الگوهای کنترل بهینه برای رعایت عدالت بین‌دوره‌ای استفاده می‌شود.

در دهه هفتاد این سوال در بین اقتصاددانان مطرح شد که با فرض وجود منابع پایان‌پذیر^۱ و امکان سرمایه‌گذاری روی دارایی‌های فیزیکی و مالی و انسانی چگونه می‌توان مسیری برای رشد پایدار اقتصاد تصور کرد. مدل‌های رشد اقتصادی که منابع طبیعی را وارد مدل رشد کرده و مساله را به صورت جامع بررسی کردند پاسخی به این نیاز بودند. مساله‌ای که در این بین بروز می‌کرد این بود که اگر اقتصاد جامعه به شدت به مصرف منابع پایان‌پذیر وابسته باشد و این منابع در طول زمان در حال تهی شدن باشند، چه گونه می‌توان مطمئن بود که رفاه جامعه در نسل‌های دورتر به شدت افت نمی‌کند؟ آیا می‌توان سیاستی را پیشنهاد کرد که پایداری مصرف در طول زمان را تضمین کند؟

جرمی بنتام در مقاله‌ای تحت عنوان بنتام و راولز؛ عدالت و بهینگی در استخراج منابع پایان‌پذیر سعی کرده تئوری‌های مهم موجود در زمینه بهره‌برداری بهینه از منابع پایان‌پذیر را با دو معیار سیاستی مطلوبیت (بنتامی) و برابری بین نسلی (راولزی) بررسی و پیامد آن‌ها را برای استخراج بهینه منابع طبیعی، مصرف و سرمایه‌گذاری روی سایر بخش‌های اقتصاد بیان کند. وی در این مقاله بیان می‌کند که، سولو (۱۹۷۴) برای پاسخ به این سوال در ابتدا مقاله قاعده عدالت راولز^۲ را بازخوانی کرده و به فصولی از کتاب راولز در مورد عدالت بین‌نسل‌ها می‌پردازد. قاعده عمومی راولز می‌گوید که بی‌عدالتی در تخصیص منابع مجاز نیست، مگر این‌که به سمت بهبود مطلوبیت فقیرترین فرد جامعه معطوف باشد. در واقع راولز در مقابل نظریه مطلوبیت بنتام که مجموع مطلوبیت عامل‌های اقتصادی را به عنوان معیار تابع رفاه اجتماعی پیشنهاد می‌کند، قاعده بیشینه کمینه را مطرح و بیان می‌دارد که تابع رفاه باید حداقل مطلوبیت موجود در جامعه را بیشینه کند. به زبان ریاضی با پیروی از این قاعده بخشی از ورودی‌های تابع مطلوبیت کل جامعه یعنی مطلوبیت طبقات بالاتر اساساً برای مساله بهینه‌سازی غیرمرتبط می‌شوند و هدف بیشینه کردن مطلوبیت زیرمجموعه‌ای از افراد است.

سولو اشاره می‌کند که هر چند خود راولز هم از کاربردی بودن قاعده‌اش برای مسائل بین‌نسلی مطمئن نیست، ولی اگر معیار راولز را برای تحلیل مساله بین‌نسلی به کار بگیریم نتیجه کاملاً متفاوتی به دست می‌آید. اگر هر نسل را یک عامل در نظر بگیریم، این تابع می‌گوید که وضعیت فقیرترین نسل باید بهبود

^۱- Exhaustible Resources

^۲- Rawls Theory of Justice

یابد. پیامد این تحلیل در حالت حدی این است که مطلوبیت (مصرف) تمام نسل‌ها باید با هم برابر باشد. اگر مسیری وجود داشته باشد که وضع نسل اول بدتر از نسل دوم باشد در این صورت نسل اول فقیرترین نسل است و هدف به سمت بهبود وضع او تا جایی که دیگر فقیرترین نسل به حساب نیاید معطوف می‌شود.

کاربرد قاعده راولز برای مسائل بین‌نسلی پیامد مهمی دارد. اگر رشد جمعیت و استهلاک سرمایه صفر باشد هیچ نسلی نباید برای نسل بعد پس‌انداز کند. پدری را تصور کنید که دوست دارد فرزندش هم مثل خودش زندگی کند. این پدر فقط کافی است تا مجموعه سرمایه‌ای که در اختیار دارد را به فرزندش منتقل کند. هرگونه پس‌انداز اضافی از سوی پدر به معنی کاهش مصرف خود او و افزودن به مصرف فرزندش است و شرط اول قاعده راولز را نقض می‌کند. اگر رشد جمعیت صفر نباشد در این صورت موضوع کمی تغییر می‌کند و هر نسلی باید مقداری پس‌انداز کند که سرمایه سرانه برابری را به نسل بعدی تحویل دهد. همان پدر قبلی را فرض کنید که صاحب دو فرزند است. اگر این پدر تمام دارایی خود را به فرزندان منتقل کند هر کدام از آن‌ها صاحب نصف سرمایه شده و رفاه‌شان کاهش می‌یابد. این پدر باید قدری پس‌انداز کند تا بتواند سرمایه‌ای دو برابر چیزی که خودش مصرف می‌کرد را به فرزندان تحویل دهد. این قاعده البته برای سیاست‌گذاری بین‌نسلی چندان جذاب نیست، چون به شدت به وضعیت اولیه بستگی دارد و اگر نسل اول یک جامعه فقیر باشند تمام نسل‌های بعدی هم باید در همان سطح زندگی کنند.

معرفی منابع پایان‌پذیر و امکان استخراج بیشتر آن برای جبران کمبود سرمایه در دوره‌های متقدم مساله قبلی را تغییر می‌دهد. هر چند سولو در مقاله‌اش قاعده بهینه ترکیب دو نوع تولید را پیشنهاد می‌کند، ولی اعتبار مساله برابری بین‌نسلی با معیار راولزی به هارتویک رسیده است. هارتویک (۱۹۷۷) ایده مصرف ثابت سولو را با فرض وجود هزینه تولید منابع پایان‌پذیر تعمیم داده است. او قاعده مشخصی را پیشنهاد می‌کند که به قاعده هارتویک برای پایداری^۱ مشهور شده است و می‌گوید که تمام عواید ناشی از منابع پایان‌پذیر را در بخش‌های غیر پایان‌پذیر (ماشین‌آلات و زیربنایها و دارایی‌های مالی و غیره) سرمایه‌گذاری کنید و بقیه درآمدهای اقتصاد (از جمله تمام درآمد ناشی از سایر سرمایه‌ها) را مصرف کنید. به این ترتیب هم نسل فعلی از مواهب ناشی از سرمایه‌گذاری بهره‌مند می‌شود و هم اصل سرمایه مولد (بخش‌های غیرپایان‌پذیر) به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. نسل فعلی هم فقط عواید حاصل از منابع زیرزمینی را به نسل بعدی منتقل می‌کند و از درآمد ناشی از سایر دارایی‌ها چیزی را برای نسل بعدی پس‌انداز نمی‌کند. این پیشنهاد ساده به نوعی دو اصل زیر را تحت پوشش قرار می‌دهد:

اولاً: نسل فعلی رفاه خودش را به خاطر پس‌انداز برای نسل بعد کاهش نمی‌دهد، ولی

ثانیاً: از طرف دیگر هم سرمایه ناشی از منابع طبیعی را برای نسل‌های بعدی حفظ می‌کند (قدوسی؛

۱۳۸۸).

^۱ - Hartwick Rule of Sustainability

مبانی قانونی رعایت حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) در ایران الزامات تحقق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هجری شمسی

بند ۸: تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از منبع تامین بودجه عمومی به منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و ایجاد صندوق توسعه ملی مستقل با سازوکار مناسب قانونی و برنامه‌ریزی برای استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین دستی وابسته بدان با تاکید بر:

۸-۱- وجوه حاصل از فروش نفت خام و گاز طبیعی (شامل میعانات و مایعات گازی) تولید شده (پس از کسر هزینه‌های تولید شامل: سرمایه‌گذاری، مالی، نگهداری، بهره‌برداری و استهلاک)، به قیمت‌های صادراتی درآمد دولت محسوب نمی‌شود و ناشی از فروش دارایی و ثروت ملی است و برای زاینده‌گی مستمر و حفظ این ثروت‌های طبیعی باید به سرمایه مولد تبدیل گردد.

۸-۲- از ابتدای برنامه پنجم توسعه سالیانه حداقل ۴۰ درصد از ارزش تولید موضوع بند ۸-۱ پس از اعمال حساب در خزانه‌داری کل کشور به عنوان تامین و افزایش سرمایه صندوق توسعه ملی منظور می‌گردد و مابقی صرف تامین و جبران کسری اعتبارات هزینه‌ای، سرمایه‌ای و مالی دولت و یارانه‌های سوخت، دارو و کالای اساسی و تکانه‌های ناشی از کاهش درآمدهای نفتی می‌گردد. نسبت فوق در قالب سیاست‌های کلی برنامه ششم قابل تجدیدنظر می‌باشد.

۸-۳- وابستگی اعتبارات هزینه‌ای دولت به درآمدهای نفت و گاز به صورت سالیانه باید کاهش یابد به طوری که تا پایان برنامه پنجم توسعه وابستگی اعتبارات هزینه‌ای دولت (به جز یارانه‌های پرداختی) به طور کامل قطع گردد.

سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران

ماده ۴۲: حرکت در جهت تبدیل درآمد نفت و گاز به دارایی‌های مولد به منظور پایدارسازی فرآیند توسعه و تخصیص و بهره‌برداری بهینه از منابع.

ماده ۵۱: تلاش برای قطع اتکای هزینه‌های جاری به نفت و تامین آن از محل درآمدهای مالیاتی و اختصاص عواید نفت برای توسعه سرمایه‌گذاری براساس کارآیی و بازدهی.

قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

ماده ۱: به منظور ایجاد ثبات در میزان استفاده از عواید ارزی حاصل از نفت در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تبدیل دارایی‌های حاصل از فروش نفت به دیگر انواع ذخایر و سرمایه‌گذاری و فراهم کردن امکان تحقق فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برنامه، دولت مکلف است با ایجاد حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت اقدام‌های زیر را معمول دارد.

سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

ماده ۲۲: تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و ایجاد صندوق توسعه ملی با تصویب اساسنامه آن در مجلس شورای اسلامی در سال اول برنامه پنجم و برنامه‌ریزی برای استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین دستی وابسته بدان با رعایت:

الف) واریز سالانه حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی.

ب) ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی با هدف تولید و توسعه سرمایه‌گذاری در داخل و خارج کشور با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی.

ج) قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه.

قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

ماده ۸۴: صندوق توسعه ملی که در این ماده صندوق نامیده می‌شود با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود.

ماده ۸۵: فعالیت حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت موضوع ماده (۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۳ با اعمال اصلاحات و تغییرات تداوم می‌یابد.

مسئله تحقیق

همان‌گونه که اسناد بالا دستی فوق نشان می‌دهد، در قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و همچنین قوانین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی ایران بر تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای به منظور رعایت حقوق بین‌نسلی تأکید شده است. تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج جاری باعث کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. همبستگی منفی بین رشد اقتصادی و ثروت ناشی از منابع طبیعی در چندین مطالعه نشان داده شده است (ساجز و وارنر، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷). همچنین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹) در گزارشی به بررسی موضوع پرداخته و بیان می‌دارد، که تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی به مخارج جاری باعث بروز مشکلاتی از قبیل تضعیف نهادهایی مانند نظام مالیاتی، گسترش کسری حساب جاری، از دست دادن رقابت پذیری بخش صنعت و کشاورزی و غیره، و در نهایت کاهش رشد اقتصادی کشور خواهد شد. با این وجود، براساس مشاهده گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی و مباحث مطرح توسط صاحب‌نظران و مسئولان اجرایی کشور، از جمله گزارش راهبردی شماره ۱۵۶ معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۱) به نظر

می‌رسد که، بخش کمی از عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن به دارایی ماندگار تبدیل شده و هم‌اکنون عواید مربوطه به طور عمده صرف بودجه جاری می‌شود. بنابراین بروز مشکلات فوق در اقتصاد ایران دور از انتظار نخواهد بود.

این پژوهش در پی آن است که از دیدگاه اقتصادی روند تحصیل و مصرف منابع مالی ناشی از عایدات نفت و مشتقات آن را به مخارج سرمایه‌ای در دولت جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار دهد. یادآوری این نکته نیز ضروری است که موضوع فوق یکی از مباحث مشترک بین حسابداری و اقتصاد است. اما بین دیدگاه حاکم بر این دو حوزه در مورد مخارج سرمایه‌ای اختلاف نظر وجود دارد. از دیدگاه حسابداری مخارج سرمایه‌ای، مخارج می‌باشند که انتظار می‌رود منافع آن‌ها علاوه بر دوره جاری به دوره‌های آتی نیز تسری پیدا کند، این‌گونه مخارج چنان‌چه از نظر مبلغ با اهمیت باشند، سرمایه‌ای محسوب می‌شوند.

از دیدگاه اقتصاددانان نیز، تا مدت‌ها نظریه‌های اقتصادی که سرمایه را به طور خاص مورد مطالعه قرار می‌دادند، سرمایه‌گذاری در سرمایه مادی را محور توجه خود قرار داده و به مواردی هم‌چون دارایی‌های فیزیکی که در قالب تولید کالاها و خدمات درآمدزایی می‌کنند، می‌پرداختند. اما در طی دهه‌های اخیر، بسیاری از اقتصاددانان کلاسیک مانند آدام اسمیت، توماس مالتوس، ناسا سینیور، و جان استوارت میل و برخی از اقتصاددانان نئوکلاسیک مانند فن تیونن و آلفرد مارشال خاطر نشان ساخته‌اند که آموزش و بهداشت موجب دارایی‌هایی ماندگار، پربازده و بدون از دست دادن میزان قبلی، قابل انتقال به نسل بعدی می‌شود که از انباشت آن‌ها سرمایه انسانی حاصل می‌گردد. به عنوان مثال آدام اسمیت پدر علم اقتصاد، معتقد به نقش اقتصادی آموزش در کمک به رشد تولید و کمک اقتصاد به جامعه است. وی بر این باور است که انسان‌ها با آموزش به سرمایه مبدل می‌شوند و جامعه می‌تواند از توان تولیدی آن‌ها به صورت بهتری بهره‌مند گردد. به نظر او هزینه‌های که صرف آموزش افراد جامعه می‌شود، جنبه سرمایه‌گذاری دارد. زیرا فراگیرندگان با کسب تحصیلات و بدست آوردن مهارت‌ها و تخصص‌های مورد نیاز جامعه به سرمایه‌های ثابتی تبدیل می‌شوند که در فرایند تولید نقش موثرتر و بازدهی بیشتری داشته و باعث افزایش درآمد جامعه می‌گردند (قدیری اصلی؛ ۱۳۶۸). بنابراین از دیدگاه اقتصادی افزون بر دارایی‌های ثابت و زیربنایی، مخارج مربوط به آموزش و بهداشت و درمان نیز مخارج سرمایه‌ای محسوب می‌شود.

پرسش‌های تحقیق

پژوهش فوق در دو بخش عمده زیر انجام شده است:

الف) در بخش اول، پژوهش درصدد است تا ضمن تلاش برای عملیاتی کردن مفهوم تئوری حقوق بین‌نسلی، شاخص‌های برای ارزیابی روند تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی با توجه به شرایط محیطی ایران معرفی نماید. برای این منظور تلاش می‌شود تا عوامل موثر با انجام یک مطالعه کتابخانه‌ای شناسایی و از طریق نظرخواهی از صاحب‌نظران این حوزه ارائه شود، به بیان دیگر در این بخش از تحقیق جنبه‌های بنیادی در کانون توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، برای این بخش از تحقیق سوال زیر طرح شده است:

۱) شاخص‌های اندازه‌گیری حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن از دیدگاه اقتصادی کدام است؟

ب) در بخش دوم تحقیق، با بکارگیری شاخص‌های پیشنهادی مورد اجماع خبرگان و با استفاده از اطلاعات مندرج در صورت‌حساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور و گزارش‌های تفریغ بودجه پس از انقلاب اسلامی، حقوق بین‌نسلی مرتبط با عواید نفتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این بخش، جنبه‌های کاربردی تحقیق مورد توجه خواهد بود. بنابراین، برای این بخش از تحقیق که در خصوص ارزیابی عملکرد دولت توسط شاخص‌های پیشنهادی می‌باشد، سوال تحقیق به شرح زیر طرح شده است:

۲) از دیدگاه اقتصادی، روند رعایت حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن طی سال‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران چه وضعیتی دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه ۱: از دیدگاه اقتصادی، روند تخصیص منابع در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، بیانگر حرکت به سمت رعایت حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن است.

فرضیه ۲: از دیدگاه اقتصادی، روند تامین منابع مالی مخارج جاری دولت در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) کاهشی و در جهت رعایت حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن است.

فرضیه ۳: از دیدگاه اقتصادی، اختلاف بین منابع و مصارف مالی دولت در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) روندی کاهشی و در جهت رعایت حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن داشته است.

قلمرو مکانی - جامعه تحقیق

قلمرو مکانی - جامعه این تحقیق صرفاً قوه مجریه به عنوان بخش دولتی می‌باشد.

قلمرو زمانی تحقیق

دوره زمانی تحقیق از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۱ یعنی ۳۵ سال در نظر گرفته شده است.

روش نمونه‌گیری و تخمین حجم جامعه

در پژوهش حاضر جامعه آماری که شامل کل دولت می‌باشد، همان نمونه خواهد بود، و لذا در این پژوهش نیازی به نمونه‌گیری نخواهیم داشت.

روش‌های تحلیل داده‌ها

برای آزمون فرضیه‌ها به روش زیر عمل شده است:

الف: در بخش تحلیل نظر خبرگان از معیارهای آمار ناپارامتریک استفاده شده است.
 ب: برای بررسی مانایی متغیرهای بکار رفته در پژوهش، از آماره‌ی دیکی - فولر تعمیم یافته^۱ (ADF) استفاده شده است.
 ج: در بخش ارزیابی روند تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی از آزمون حداقل مربعات معمولی^۲ (OLS) استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای انجام این پژوهش سه مرحله عملیاتی به شرح زیر تدوین گردیده است:
 در مرحله اول از پژوهش مطالعه و بررسی تطبیقی در رابطه با مبانی نظری مربوط به تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی با استفاده از روش کتابخانه‌ای صورت گرفته، تا براساس فراوانی شاخص‌ها، ویژگی‌های محیطی بخش دولتی، مبانی قانونی حاکم بر فعالیت‌ها و ساختار دولت، شاخص‌های پیشنهادی که اشخاص ذی‌نفع در ارزیابی عملکرد و مسئولیت پاسخگویی دولت، می‌توانند از آن‌ها برای ارزیابی مسئولیت پاسخگویی ناشی از رعایت موضوع فوق در دولت جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند، برای کسب اجماع عمومی تعیین شود.

مرحله دوم این پژوهش نظرخواهی از تنی چند از متخصصان ذیربط در مورد شاخص‌های پیشنهادی به منظور شناسایی شاخص‌های مورد اجماع برای ارزیابی روند تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی در دولت، با استفاده از روش دلفی می‌باشد. برای تحقق این هدف پرسشنامه‌ای طراحی و برای نظرخواهی در اختیار جامعه تخصصی قرار گرفت. در این تحقیق ۲۸ نفر به عنوان پاسخ‌دهنده، پرسشنامه‌های ارسالی را تکمیل و تحویل نمودند. اطلاعات جمع‌آوری شده در این مرحله به کمک آزمون‌های کای اسکوتر و کولموگوروف-اسمیرنوف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون کای اسکوتر، بیانگر آن است که کلیه گروه‌های پاسخ‌دهنده، همه سوالات پرسش‌نامه‌ها را مورد تأیید قرار داده‌اند. نتایج آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف در پژوهش حاضر، بیانگر وجود توافق عمومی در گروه بوده و موضع موافق اعضای گروه پاسخ‌دهنده در مورد هر یک از شاخص‌های مربوط با توجه به اطلاعات مندرج در جدول مربوطه، به صورت معنی‌داری با نقطه بی‌تفاوتی اختلاف دارد.

پس از کسب اجماع عمومی در مورد شاخص‌های پیشنهادی و معیارهای مربوط به آن‌ها، مرحله سوم این پژوهش ارزیابی روند تحقق حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن از دیدگاه اقتصادی در دولت می‌باشد. در این مرحله با بکارگیری مدل‌های مناسب و با استفاده از اطلاعات صورت‌حساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور و گزارش تفریغ بودجه، روند فوق در طول سال‌ها و هم-

¹ - Augmented Dickey Fuller

² - Ordinary Least Square

چنین دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی مورد ارزیابی می‌گیرد. برای تحقق این منظور ابتدا مانایی متغیرهای مورد استفاده بررسی و سپس فرضیات تحقیق در دو سطح زیر مورد آزمون قرار گرفت. سطح اول: در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۹۱-۱۳۵۷) سطح دوم: در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران

بررسی مانایی متغیرهای بکار رفته در پژوهش

برای بررسی مانایی سری‌های زمانی استفاده شده در این پژوهش از دیدگاه اقتصادی، از آماره‌ی دیکی- فولر تعمیم یافته (ADF) استفاده شده است. نتایج آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته برای بررسی مانایی متغیرهای استفاده شده در پژوهش حاضر از دیدگاه اقتصادی در جدول شماره یک ارائه شده است:

جدول ۱- نتایج آزمون مانایی متغیرها از دیدگاه اقتصادی با استفاده از آماره‌ی دیکی- فولر

نام متغیر	مقدار محاسباتی برای آماره آزمون دیکی- فولر
LNAFT	2.20
LJARI ECO	3.25
LOMRANI ECO	4.92
NOOMRANI ECO	-1.74

* مقادیر بحرانی جدول مک‌کینون (۱۹۹۶) در سطح معنی‌داری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ به ترتیب عبارتند از: -1.61، -1.95، -2.63

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد چون مقدار آماره‌ی دیکی- فولر تعمیم یافته‌ی محاسباتی برای کلیه‌ی متغیرها بزرگ‌تر از مقدار بحرانی این آماره از جدول مک‌کینون شده است، لذا نتیجه می‌گیریم که متغیرها در سطح مانا می‌باشند.

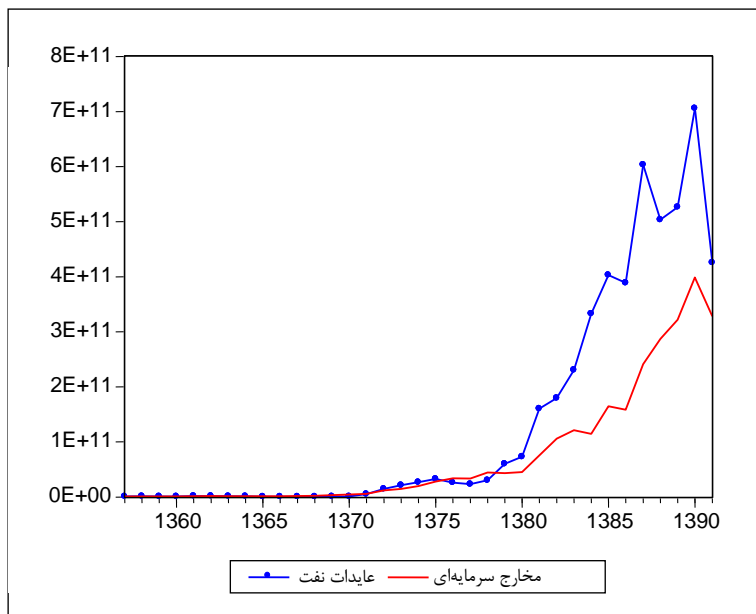
سطح اول: در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۹۱-۱۳۵۷)

آزمون فرضیه‌ها

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی اول

در نمودار شماره یک روند درآمدهای نفتی و مخارج سرمایه‌ای دولت از دیدگاه اقتصادی در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، رسم شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در طول دوره‌ی مورد بررسی، تفاوت معنی‌داری بین درآمدهای نفتی و مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی وجود دارد و این تفاوت به‌ویژه در دهه‌ی ۸۰ بسیار زیادتر شده است.

نمودار ۱- روند درآمدهای نفتی و مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی (۱۳۹۱-۱۳۵۷)



نتیجه برآورد انجام شده برای بررسی رابطه بین مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی و درآمدهای نفتی دولت در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، در جدول زیر آمده است:

$$\text{lomranieco} = 331.54 + .28 \ln \text{naft} [\text{AR}(1) = 0.99, \text{MA}(1) = -0.43]$$

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	Prob
C	331.5431	11193.56	0.029619	0.9766
LNAFT	0.280277	0.061920	4.526456	0.0001
AR(1)	0.999591	0.014557	68.66598	0.0000
MA(1)	-0.435043	0.172003	-2.529277	0.0169
R ²	0.992835			
Durbin Watson	1.884384			

نتیجه برآورد نشان می‌دهد که کشش مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی نسبت به درآمدهای نفتی برابر ۰/۲۸ بوده و این بدان معنی است که با افزایش یک درصدی درآمدهای نفتی حدود ۰/۲۸٪ آن صرف مخارج سرمایه‌ای شده است که رقم نسبتاً پایینی می‌باشد. از این رو، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که روند تخصیص منابع در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، بیانگر حرکت به سمت عدم رعایت تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی و در نتیجه عدم رعایت حقوق بین‌نسلی بوده است، بنابراین فرضیه اول تحقیق رد می‌شود.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی دوم

نتیجه برآورد انجام شده به‌منظور بررسی رابطه بین مخارج جاری از دیدگاه اقتصادی و درآمدهای نفتی دولت در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، در جدول زیر آمده است:

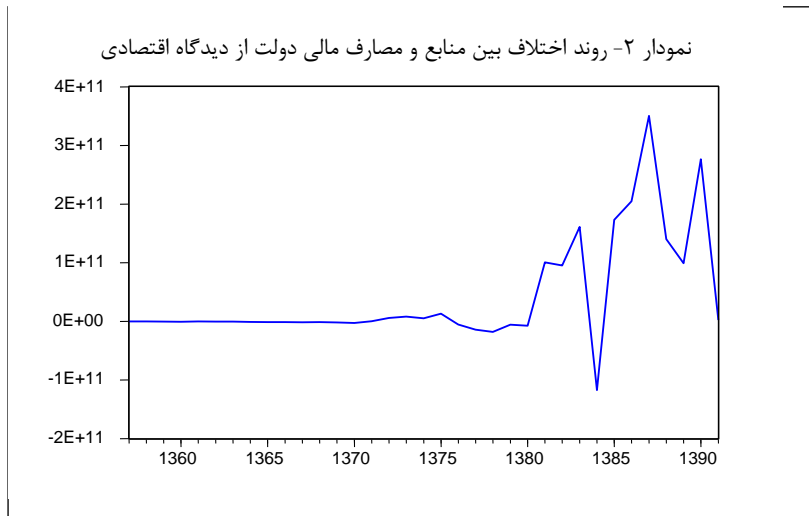
$$ljarieco = 5.08 + .78l\text{naft}[MA(1) = 0.51, MA(2) = 0.37]$$

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	Prob
C	5.082706	1.148377	4.425991	0.0001
LNAFT	0.787863	0.048441	16.26452	0.0000
MA(1)	0.507091	0.171523	2.956401	0.0059
MA(2)	0.370315	0.171530	2.158894	0.0387
R ²	0.967329			
Durbin-Watson	2.061773			

نتیجه برآورد نشان می‌دهد که کشش مخارج جاری از دیدگاه اقتصادی نسبت به درآمدهای نفتی دولت در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، برابر ۰/۷۸ بوده و این بدان معنی است که با افزایش یک درصدی درآمدهای نفتی حدود ۰/۷۸٪ آن صرف مخارج جاری از دیدگاه اقتصادی شده است که رقم بسیار بالایی می‌باشد. این امر بیانگر آن است که روند تامین منابع مالی مخارج جاری دولت در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) افزایشی و در جهت عدم رعایت تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی و در نتیجه عدم رعایت حقوق بین‌نسلی بوده است، بنابراین فرضیه دوم تحقیق رد می‌شود.

نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی سوم

در نمودار شماره ۲ روند اختلاف بین منابع و مصارف مالی دولت از دیدگاه اقتصادی در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) ارائه شده است:



برای بررسی چگونگی روند اختلاف بین منابع و مصارف مالی دولت از دیدگاه اقتصادی در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) آن را بر متغیر زمان رگرس می‌کنیم تا وضعیت آن در طول دوره بررسی مشخص شود. نتیجه برآورد انجام شده در جدول زیر آمده است:

$$\text{noomranieco} = -4.64\text{e}10 + 5.17\text{e}9\text{trendt}$$

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	Prob
C	-4.64E+10	2.61E+10	-1.780123	0.0843
TREND	5.17E+09	1.32E+09	3.924203	0.0004
R ²	0.318173			
Durbin-Watson	1.730707			

نتیجه برآورد نشان می‌دهد که اختلاف بین منابع و مصارف مالی دولت در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) روندی افزایشی و در جهت عدم رعایت تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به هزینه‌های سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی و در نتیجه عدم رعایت حقوق بین نسلی داشته است، از این رو، فرضیه سوم تحقیق نیز رد می‌شود.

سطح دوم: در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران

بعد از انقلاب اسلامی تاکنون ده دولت در کشور مسئولیت قوه مجریه را به عهده داشته که به ترتیب عبارتند از: دولت اول (دولت بنی صدر)، دولت دوم (دولت رجایی)، دولت سوم و چهارم (دولت موسوی)، دولت پنجم و ششم (دولت هاشمی)، دولت هفتم و هشتم (دولت خاتمی) و دولت نهم و دهم (دولت احمدی نژاد). در این قسمت از پژوهش روند تحقق حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن از دیدگاه اقتصادی را در دولت‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روند متغیرهای استفاده شده در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران

یکی از مواردی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، مقایسه‌ی روند متغیرهای استفاده شده در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران بوده است. برای این منظور از متغیرهای مجازی (صفر و یک) برای هر دوره استفاده شده، به‌گونه‌ای که، در طول سال‌های فعالیت یک دولت عدد ۱ و برای سایر سال‌ها عدد صفر در نظر گرفته شده است. در ادامه متغیر مربوطه را بر متغیرهای مجازی متناظر با دولت‌های مختلف رگرس نموده و برای این منظور از روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است که نتیجه برازش در جدول زیر آمده است:

$$LOMRAN\ ECO = 15.99 - 15.81 * AH - 13.65 * HA - 15.46 * KH - 8.15 * MO + [MA(1)=0.48]$$

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	Prob
C	15.99568	1.173763	13.62768	0.0000
دولت نهم و دهم	-15.80702	1.439790	-10.97870	0.0000
دولت پنجم و ششم	-13.64967	1.424201	-9.584095	0.0000
دولت هفتم و هشتم	-15.45962	1.415939	-10.91828	0.0000
دولت سوم و چهارم	-8.148497	1.380476	-5.902672	0.0000
MA(1)	0.484660	0.165035	2.936712	0.0066
R ²	0.936877			
Durbin-Watson	2.061610			

$LJARI\ ECO = 16.10 - 15.90 * AH - 13.73 * HA - 15.55 * KH - 8.17 * MO + [MA(1) = 0.5]$				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	Prob
C	16.10197	1.211038	13.29601	0.0000
دولت نهم و دهم	-15.90389	1.484952	-10.71003	0.0000
دولت پنجم و ششم	-13.72964	1.467061	-9.358599	0.0000
دولت هفتم و هشتم	-15.55177	1.459883	-10.65275	0.0000
دولت سوم و چهارم	-8.165529	1.411957	-5.783128	0.0000
MA(1)	0.517427	0.159045	3.253338	0.0030
R ²	0.937282			
Durbin-Watson	2.083617			
$NOOMRANIECO = -2.29e8 + 1.20e9 * AH + 2.28e8 * HA + 6.33e8 * KH - 9.75e7 * MO [MA(3) = -0.99]$				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	Prob
C	-2.29E+08	5.07E+08	-0.451731	0.6549
دولت نهم و دهم	1.20E+09	5.18E+08	2.311948	0.0284
دولت پنجم و ششم	2.28E+08	5.28E+08	0.431384	0.6695
دولت هفتم و هشتم	6.33E+08	5.01E+08	1.265144	0.2162
دولت سوم و چهارم	-97508344	5.55E+08	-0.175685	0.8618
MA(3)	-0.992387	0.058128	-17.07230	0.0000
R ²	0.658372			
Durbin-Watson	2.070376			

نتیجه برآورد انجام شده در رابطه با روند مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که در طول سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، دولت‌های سوم و چهارم بیشترین مخارج سرمایه‌ای را نسبت به سایر دولت‌ها داشته‌اند، و بعد از آن دولت‌های پنجم و ششم قرار دارد. دولت‌های هفتم و هشتم از دو دولت مذکور مخارج سرمایه‌ای کمتری داشته است و دولت‌های نهم و دهم نیز از کمترین مخارج سرمایه‌ای برخوردار بوده است. افزون بر این، برآورد انجام شده در رابطه با روند مخارج جاری از دیدگاه اقتصادی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که در طول سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، دولت‌های نهم و دهم بیشترین مخارج جاری را نسبت به سایر دولت‌ها داشته‌اند، و بعد از آن دولت‌های هفتم و هشتم قرار دارد. دولت‌های پنجم و ششم از دو دولت مذکور مخارج جاری کمتری داشته است و دولت‌های سوم و چهارم نیز از کمترین مخارج جاری برخوردار بوده است. هم‌چنین، بررسی چگونگی روند اختلاف بین منابع و مصارف

مالی از دیدگاه اقتصادی در دولت‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی ایران، از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن)، بیانگر آن است که بیشترین سهم را در این نوع مخارج دولت‌های هفتم و هشتم داشته است. بعد از آن دولت‌های پنجم و ششم و سپس دولت‌های نهم و دهم بیشترین تاثیر را روی این نوع مخارج داشته‌اند.

بررسی و مقایسه‌ی روند متغیرهای استفاده شده در این پژوهش نشان می‌دهد که چون عواید ناشی از فروش منابع نفت و گاز در طول سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، در دولت نهم و به‌ویژه دولت دهم به اوج خود رسید، از این رو، در بین دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران، بیشترین اعتبارات مصوب بابت مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی مربوط به دولت‌های نهم و دهم بوده، و به تبع آن اعتبارات تخصیص یافته و وجوه دریافتی از خزانه بابت مخارج فوق نیز در این دو دولت نسبت به سایر دولت‌ها با مشکل کمتری مواجه بوده است. این در حالی است که، در همین دو دولت بیشترین عواید ناشی از فروش منابع نفت و گاز صرف مخارج جاری شده است. به این ترتیب، می‌توان بیان کرد که در بین دولت‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی ایران، بیشترین موارد مربوط به رعایت حقوق بین‌نسلی در دولت‌های سوم و چهارم و بیشترین موارد مربوط به تزییع حقوق بین‌نسلی در دولت‌های نهم و دهم رخ داده است.

بررسی توصیفی روابط بین متغیرهای پژوهش در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران

بررسی رابطه بین مخارج سرمایه‌ای دولت از دیدگاه اقتصادی و درآمدهای نفتی

نتیجه محاسبات انجام شده برای بررسی رابطه بین مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی و درآمدهای نفتی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران، نشان می‌دهد که کشش مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی نسبت به درآمدهای نفتی در دولت‌های سوم و چهارم، برابر $143/9\%$ بوده و این بدان معنی است که با افزایش یک درصدی درآمدهای نفتی حدود $143/9\%$ مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی اضافه شده است. رقم فوق برای دولت‌های پنجم و ششم، دولت‌های هفتم و هشتم و دولت‌های نهم و دهم نیز به ترتیب $86/5\%$ ، $64/3\%$ ، $51/8\%$ بوده است. از این رو، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بیشترین تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران در دولت‌های سوم و چهارم بوده و پس از آن نیز دولت‌های پنجم و ششم، دولت‌های هفتم و هشتم، و دولت‌های نهم و دهم به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به این ترتیب، در بین دولت‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی ایران، رعایت حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن دولت به دولت سیر نزولی داشته است.

بررسی روند تامین منابع مالی مخارج جاری دولت از دیدگاه اقتصادی از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن)

نتیجه محاسبات انجام شده برای بررسی روند تامین منابع مالی مخارج جاری دولت از دیدگاه اقتصادی از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران، نشان می‌دهد که کسش مخارج جاری از دیدگاه اقتصادی نسبت به درآمدهای نفتی در دولت‌های سوم و چهارم، برابر $۴۳/۹\%$ بوده و این بدان معنی است که با افزایش یک درصدی درآمدهای نفتی حدود $۴۳/۹\%$ از مخارج جاری از دیدگاه اقتصادی کم شده است. رقم فوق برای دولت‌های پنجم و ششم، دولت‌های هفتم و هشتم و دولت‌های نهم و دهم نیز به ترتیب $۱۳/۵\%$ ، $۳۵/۷\%$ ، $۴۸/۲\%$ بوده است. از این رو، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بیشترین تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج جاری از دیدگاه اقتصادی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم و کمترین آن در دولت‌های سوم و چهارم بوده است. به این ترتیب، می‌توان بیان کرد که در بین دولت‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی ایران، بیشترین موارد مربوط به رعایت حقوق بین‌نسلی در دولت‌های سوم و چهارم و بیشترین موارد مربوط به تضییع حقوق بین‌نسلی در دولت‌های نهم و دهم رخ داده است.

بررسی روند اختلاف بین منابع و مصارف مالی دولت از دیدگاه اقتصادی از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن)

با توجه به محاسبات انجام شده در رابطه با روند اختلاف بین منابع و مصارف مالی دولت از دیدگاه اقتصادی از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کمترین اختلاف بین منابع و مصارف مالی مربوط به دولت‌های پنجم و ششم بوده است و پس از آن دولت‌های هفتم و هشتم، دولت‌های سوم و چهارم، و دولت‌های نهم و دهم به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

استفاده بهینه از عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن)، همواره یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های اصلی کشورهای صادرکننده این منابع بوده است. از سال‌ها پیش و پس از بروز شوک‌های نفتی در دهه ۶۰ کشورها به طراحی راهکارهای گوناگونی در جهت مدیریت عواید ناشی از فروش نفت و مشتقات آن اقدام نمودند. پایه کلیه این سیاست‌ها ایجاد فضایی برای ذخیره این عواید بوده است تا به این وسیله عواید فوق در دوران افزایش برای زمانی که کاهش می‌یابد و یا به اتمام برسد نگهداری شود. یکی دیگر از پایه‌های شکل‌گیری این سیاست‌ها موضوع حقوق بین‌نسلی است. این موضوع به معنای نگهداری ارزش عواید ناشی از منابع تجدیدناپذیر برای نسل‌های آینده و زمانی است که این منابع به پایان رسیده است. عواید حاصل از فروش نفت به‌عنوان دارایی بین‌نسلی است، لذا کاربرد صحیح و مهم آن تبدیل به عنوان دارایی زیرزمینی به دارایی ماندگار و استفاده از آن به عنوان یک دارایی بین‌نسلی محسوب می‌شود.

تبدیل منابع حاصل از صادرات نفت خام به دارایی ماندگار، سرمایه‌گذاری زیربنایی و هزینه آن برای واردات کالاهای سرمایه‌ای اصولی‌ترین کاربرد این منابع است.

با توجه به ماهیت نفتی اقتصاد کشور و تداوم وابستگی به آن علی‌رغم سیاست‌های اعلام شده از یک‌سو و بروز موج جدید شوک قیمتی مثبت در سال‌های اخیر از سوی دیگر و احتمال انتقال بی‌ثباتی‌ها و نوسانات ناشی از آن به اقتصاد ملی، جای داشت ابعاد این موضوع مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور روند تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی در دولت جمهوری اسلامی ایران از ابعاد نظری و عملی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتیجه محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران کسش مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی نسبت به درآمدهای نفتی برابر ۲۸٪ بوده و در طی این دوره با افزایش یک درصدی درآمدهای نفتی حدود ۷۸٪ آن صرف مخارج جاری از دیدگاه اقتصادی شده است. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که روند تخصیص منابع به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی و هم‌چنین روند تامین منابع مالی مخارج جاری دولت از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، بیانگر عدم رعایت حقوق بین‌نسلی بوده و این امر به‌ویژه در دهه‌ی ۸۰ بسیار زیادتر شده است.

در ادامه روند تحقق حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن از دیدگاه اقتصادی در دولت‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه اقتصادی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران در دولت‌های سوم و چهارم بوده و پس از آن دولت‌های پنجم و ششم، دولت‌های هفتم و هشتم، و دولت‌های نهم و دهم به- ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. هم‌چنین بیشترین تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج جاری از دیدگاه اقتصادی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم و کمترین آن در دولت‌های سوم و چهارم بوده است. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نقطه اوج عدم رعایت حقوق بین‌نسلی در ارتباط با دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران مربوط به دولت‌های نهم و دهم می‌باشد. با بررسی دوره زمانی فوق مشخص گردید که این امر به دلیل افزایش درآمدهای نفتی که در سال‌های فوق رخ داده و باعث افزایش منابع مالی دولت از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) شده، می‌باشد. در سال‌های آخر دهه ۷۰ قیمت نفت به دلیل هماهنگی اعضای اوپک در تنظیم بازار جهانی نفت افزایش یافت، به گونه‌ای که از بشکه‌ای ۱۷,۲۵ دلار در سال ۱۳۷۸ به بشکه‌ای ۲۶,۷۵ دلار در سال ۷۹ رسید. در ادامه نیز از اواسط دهه ۸۰ و همراه با تغییر و تحولات به وجود آمده در بازار جهانی نفت، بار دیگر درآمدهای نفتی با یک جهش بلند دیگری روبرو گردید، به گونه‌ای که قیمت نفت از بشکه‌ای ۵۳,۸۳ دلار در سال ۱۳۸۴ به ۶۲,۱۰ و ۸۱,۶ دلار در سال- های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ افزایش یافت. با افزایش درآمد نفت، وابستگی مستقیم بودجه دولت به فروش نفت و حساب ذخیره ارزی افزایش و عملاً سهم نفت در بودجه و درآمدهای دولت افزایش پیدا می‌کند. پایین

بودن سهم مالیات‌ها از منابع عمومی دولت، طبق استانداردهای بودجه‌نویسی جهان به معنای کسری بودجه و فروش دارایی‌ها و ثروت ملی و در نتیجه عدم رعایت حقوق بین‌نسلی است. پیشنهادهای گوناگونی توسط پژوهشگران در مورد رعایت حقوق بین‌نسلی تاکنون ارائه شده است. از منظر این پژوهش که روند رعایت حقوق یاد شده مبتنی بر اطلاعات واقعی سه دهه اخیر ارزیابی شده، بیانگر این واقعیت است که این روند امیدوارکننده نبوده و متناسب با افزایش وجوه حاصل از فروش نفت و مشتقات آن، وابستگی بودجه جاری کشور به این منابع نیز افزایش یافته است. از این رو، پیشنهادی که قابل بیان است همانا اصلاح نظام مالیاتی کشور و جلوگیری از فرار مالیاتی و تامین منابع مالی بودجه جاری از محل درآمدهای غیر نفتی است تا شرایط لازم برای تبدیل منابع مالی حاصل از فروش ثروت ملی به دارایی‌های مولد فراهم شود. اساسنامه صندوق توسعه ملی که در نتیجه تجارب گذشته از رفتار دولت‌ها با منابع طبیعی ایجاد شده است، اگر به معنی واقعی رعایت شود و منابع آن برای بکارگیری در محل‌های تعیین شده مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند شرایط را برای رعایت حقوق بین‌نسلی در سال‌های آتی فراهم و روند آن را بهبود بخشد.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

در این تحقیق روند تحقق حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن در دولت جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت تا نتایج حاصل از آن بتواند زمینه‌ای را برای ارزیابی عملکرد دولت درباره رعایت حقوق بین‌نسلی حاکم بر عایدات نفت و مشتقات آن به عنوان ثروت‌های ملی و بین‌نسلی فراهم و در تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد و شفاف‌سازی مصرف و به‌کارگیری این منابع عمومی و حیاتی مورد توجه قرار گیرد. در شرایطی که نتایج این تحقیق سوالات متعددی را پاسخ داد اما موجب گردید که سوالات جدیدی نیز مطرح شود. بدین معنا که به رغم نتایج حاصله هنوز موضوعات مختلفی در این زمینه وجود دارد که برای انجام تحقیقات آتی می‌تواند حائز اهمیت باشد. برخی از این موضوعات در ادامه پیشنهاد می‌گردد:

(۱) به‌جزء منابع مالی که از محل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای نظیر نفت و مشتقات آن بدست می‌آید بدهی‌های بلندمدت ناشی از واگذاری دارایی‌های مالی نظیر انتشار و فروش اوراق مشارکت، وام‌ها و اعتبارات داخلی نیز دارای اثر بین‌نسلی هستند، و باید در ارزیابی رعایت حقوق بین‌نسلی مورد بررسی قرار گیرند. اما از آنجایی که در این تحقیق فقط روند تحقق حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن مورد بررسی قرار گرفت، پیشنهاد می‌شود تا در تحقیق دیگری روند تحقق حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف منابع مالی حاصل از استقراض بلندمدت نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

(۲) عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن در دولت جمهوری اسلامی ایران به صورت زیر مصرف می‌شود:

(الف) بخشی بابت بازپرداخت بیه متقابل منظور می‌شود

(ب) درصدی به وزارت نفت برای سرمایه‌گذاری مجدد در پروژه‌های نفتی پرداخت می‌شود

(ج) درصدی به صندوق توسعه ملی واریز می‌شود، که از ۲۰ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۳۲ درصد در سال ۱۳۹۴ افزایش خواهد یافت.

د) و مابقی در بودجه عمومی هزینه می‌شود.

از آنجایی که در تحقیق فوق تنها منابع و مصارف بودجه‌های سنواتی ۳۵ سال اخیر مورد تحلیل قرار گرفته است، بنابراین پیشنهاد می‌شود تا در تحقیق دیگری کل عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن در دولت جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۳) در پژوهش فوق روند تحقق حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن در دولت جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. پیشنهاد می‌شود تا در تحقیق دیگری روند فوق برای دوره قبل از انقلاب اسلامی ایران نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. سپس نتایج حاصله با هم مقایسه، تا مشخص گردد که وضعیت حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن در دوره قبل و بعد از انقلاب چگونه بوده است.

۴) پیشنهاد می‌شود تا در تحقیق دیگری روند تحقق حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن در سایر کشورهای نفت‌خیز نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. سپس نتایج حاصله با هم مقایسه، تا مشخص گردد که وضعیت حقوق بین‌نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن در ایران نسبت به سایر کشورهای نفت‌خیز به چه صورت می‌باشد.

فهرست منابع:

- ۱- آذر، عادل و مومنی، منصور؛ (۱۳۸۹)؛ آمار و کاربرد آن در مدیریت: تحلیل آماری؛ انتشارات سمت؛ جلد دوم؛ چاپ چهاردهم
- ۲- آیین نامه ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور مصوب دیماه ۱۳۸۱ هیات وزیران
- ۳- احمدیان، مجید؛ (۱۳۹۰)؛ اقتصاد منابع تجدید شونده؛ انتشارات سمت؛ چاپ سوم
- ۴- باباجانی، جعفر؛ (۱۳۸۸)؛ مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی شهرداری‌ها، جلد اول: مفاهیم بنیادی حسابداری و گزارشگری مالی شهرداری‌ها؛ مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران؛ چاپ اول
- ۵- باباجانی، جعفر؛ (۱۳۸۸)؛ حسابداری و مسوولیت پاسخگویی در بخش عمومی (مجموعه مقالات)؛ انتشارات ترمه؛ چاپ اول
- ۶- باباجانی، جعفر؛ (۱۳۸۶)؛ حسابداری و کنترل‌های مالی دولتی؛ انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی؛ چاپ ششم
- ۷- باریر، جولیان؛ (۱۳۶۳)؛ اقتصاد ایران از ۱۲۷۹ تا ۱۳۴۹؛ مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی
- ۸- بنتام، جرمی، بنتام و راولز؛ عدالت و بهینگی در استخراج منابع پایان‌پذیر؛ حامد قدوسی؛ روزنامه دنیای اقتصاد؛ شماره ۲۰۴۲؛ ۱۳۸۸/۱۲/۲۷
- ۹- بهبودی، داود؛ (۱۳۸۵)؛ اقتصاد ایران بر سر سفره درآمدهای نفتی؛ انتشارات نور علم؛ چاپ اول
- ۱۰- پورسعید، یاسم؛ (۱۳۸۶)؛ پایداری محیط زیست از دیدگاه اسلام؛ فصلنامه فرهنگ جهاد؛ شماره ۳۳ و ۳۴

- ۱۱- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ (۱۳۸۶)؛ **شاخص‌های عدالت اقتصادی**؛ کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری؛ کمیته‌ی اقتصاد و تلفیق
- ۱۲- رومر، دیوید؛ (۱۳۸۹)؛ **اقتصاد کلان پیشرفته**؛ ترجمه مهدی تقوی؛ انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛ جلد دوم؛ چاپ دوم
- ۱۳- شیریحیان، محمد؛ (۱۳۸۹)؛ **بررسی تاثیر هزینه‌های بهداشتی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب**؛ پایان نامه دوره کارشناسی ارشد؛ دانشگاه تهران؛ دانشکده اقتصاد
- ۱۴- فراهانی فرد، سعید؛ (۱۳۸۶)؛ **عدالت بین نسلی در بهره برداری از منابع طبیعی**؛ اقتصاد اسلامی؛ سال هفتم؛ شماره ۲۵؛ صفحات ۱۵۶-۱۲۵
- ۱۵- قدیری اصلی، باقر؛ (۱۳۶۸)؛ **سیر اندیشه‌های اقتصادی**؛ انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۶- کارگروه حقوق همبستگی؛ (۱۳۸۸)؛ **آشنایی با حقوق همبستگی (برابری نسل‌ها یا عدالت بین نسلی)**؛ شماره ۶
- ۱۷- کاوسی، محمد؛ (۱۳۸۷)؛ **فرصت‌ها و مشکلات ناشی از درآمد نفتی در اقتصاد ایران**؛ سایت اینترنتی آفتاب
- ۱۸- کمیته‌ی اقتصاد و تلفیق کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ (۱۳۸۶)؛ **شاخص‌های عدالت اقتصادی**
- ۱۹- لوکاس، رابرت؛ (۱۳۸۶)؛ **رشد اقتصادی**؛ ترجمه مهدی تقوی و همکاران؛ انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛ چاپ اول
- ۲۰- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ سامانه قوانین و مقررات؛ قوانین و مقررات؛ **قوانین بودجه سنواتی از سال ۱۳۰۰ تا سال جاری**
- ۲۱- معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ (۱۳۹۱)؛ **مدیریت منابع نفتی و تامین مالی پروژه‌های نفتی**؛ گزارش راهبردی شماره ۱۵۶

- 1- Asfaha, s.; (2007); **National Revenue Funds: Their Efficacy for fiscal Stability and inter –generational equity**; IISD
- 2- Attmore, R.; (2009); **Inter – period Equity: what it is and why it matters**; the journal of Government Financial Management; vol.58; No.2; pp. 8-9
- 3- Auty, Richard.(1993), **Sustaining Development in Mineral Economies : The Resource Curse Thesis**, Routledge
- 4- Colquhoun, P.; (2010); **Intergenerational equity in municipal accounting: New Zealand 1910S** ; Available at: [tp://www.victoria.ac.nz/sacl/cagtr/publications.aspx](http://www.victoria.ac.nz/sacl/cagtr/publications.aspx)
- 5- Cortès, L.; (2004); **The Meaning Of Intergenerational Equity In Governmental Financial Management**; public fund Digest; vol.4; No.1; pp. 58-78
- 6- Fernández Santos, Y.; (2005); **Measurement of the Annual Intergenerational Equity in Local Governments: Empirical Study of the Spanish Municipality of León**; EAA-congress 2005
- 7- Hartwick, J.M.; (1977); **Intergenerational Equity and the Investing of Rents from Exhaustible Resources**; The American Economic Review; 67; pp. 972-974

- 8- Hwang, Y. and Patton, J.; (1992); **An Economics Analysis of Interperiod Equity in Governmental financial Reporting**; research in Governmental and Nonprofit Accounting; Vol.7 ;pp.3-23
- 9- Mahdavy, H.; (1970); **Patterns and Problems of Economic Development in Rentier State: The Case of Iran**; in M.A.Cook
- 10- Marks, B. and Raman, k.; (1996); **The behavior of Interperiod Equity-Related performance measures over time**; Accounting Horizons; Vol.10; No.4; pp.52-66
- 11- McCrae, M. and Aiken, M.; (2000); **Accounting FOR Infrastructure Service Delivery BY Government: Generational Issues**; Financial Accountability & Management ; Vol.16; No.3
- 12- Osberg, L.; (1997); **Meaning and Measurement in Intergenerational Equity**; Department of conomics Dalhousie University
- 13- Ryan, c. and Robinson, M. and Grigg, T.; (2000); **Financial performance indicators for Australlian local Governments**; Accounting, Accountability and performance; Vol.6; No.2; pp.89-106
- 14- Sachs, J. D. and Warner, A. M.; (1995); **Natural Resource Abundance and Economic Growth**; NBER Working Paper No. 5398.
- 15- Sachs, J. D. and Warner, A. M.; (1997); **Sources of slow Growth in African economies**; Journal of African Economies; 6; pp. 335-376.
- 16- Smith, S. and Doxey, R.; (2010); **An Intergenerational Equity Approach To The Costs And Benefits Of War**; Journal of Business and Educational Leadership; Vol.2 ;pp.27-33
- 17- Solow, R.M.; (1974); **Intergenerational Equity and Exhaustible Resources**; The Review of Economic Studies; 41; pp. 29-45
- 18- Zame, W., (2007); **can intergenerational equity be operationalized?**; Theoretical Economics; No.2; pp. 187-202
- 19- <http://www.swfinstitute.org>

